

زبان‌شناسی گویش‌های ایرانی

سال ۶، شماره ۱، پیاپی ۸ (بهار و تابستان ۱۴۰۰) شماره صفحات: ۹۹ - ۱۲۳

جنس دستوری در زبان آمره‌ای

عطیه امینی^{۱*}، محمد راسخ‌مهند^۲

۱. کارشناس ارشد زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران

۲. استاد زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران

چکیده

این مطالعه به بررسی جنس دستوری در زبان آمره‌ای می‌پردازد. آمره‌ای زبان روستای آمره از توابع خلجستان استان قم است و در آن دو جنس دستوری مذکر و مؤنث وجود دارند. پسوند تصریفی نشانه جنس مؤنث -a/-iya است. این پسوند در واژه‌های مختوم به همخوان به صورت -a و در واژه‌های مختوم به واکه به صورت -iya نمایان می‌شود. این نشانه‌ها به اسم، ضمیر، نشانه نکره، صفت و فعل برای تفکیک جنس واژه افزوده می‌شوند. جنس دستوری فعل، صفت، ضمیر و نشانه نکره براساس جنس هسته گروه اسمی تعیین می‌شود. جنس حاصل از مطابقت در مابقی اجزای جمله شیوه قاعده‌مندی برای تشخیص جنس اسامی است. مطابقت جنس فعل و صفت با هر نوع اسم (انسان، جاندار و بی‌جان) و اسامی جمع نیز مشاهده می‌شود. اما مطابقت در نشانه نکره تنها در اسامی مفرد منتسب به انسان‌ها قابل مشاهده است. مطابقت جنس فعل در فعل‌های زمان گذشته است. در این مطابقت با وجود این که تنها ضمیر سوم شخص مفرد نشانه تصریفی تمایز جنس را دارد و صفات و نشانه حالت تنها با این ضمیر مطابقت دارند، مطابقت جنس در حالت کنایی فعل گذشته با همه ضمائر قابل مشاهده است. در این زبان و از نظر جنس، فعل‌های گذشته لازم با فاعل (همراه با نشانه حالت) و فعل‌های گذشته متعدی با مفعول (با نظام حالت کنایی) مطابقت دارند.

تاریخچه مقاله:

دریافت: ۱۲ خردادماه ۱۴۰۰
پذیرش: ۱۶ شهریورماه ۱۴۰۰

واژه‌های کلیدی:

زبان آمره‌ای
جنس دستوری
مطابقت
حالت کنایی

۱. مقدمه

جنس دستوری^۱ یکی از مقولات دستوری است که در برخی از زبان‌های دنیا وجود دارد و لزوماً منطبق با جنسیت زیستی نیست (کوربت^۲، ۲۰۱۴). جنس دستوری ویژگی اسم است و معمولاً مطابقت بین جنس اسم (به عنوان کنترل‌گر)^۳ و عناصر وابسته (هدف)^۴ به آن را کنترل می‌کند. این عناصر وابسته می‌توانند نشانه معرفه یا نکره، صفت، ضمیر، فعل، عدد و یا حرف اضافه باشند.

بررسی ویژگی‌های مختلف دستوری در زبان‌های ایرانی، به ویژه زبان‌های در حال انقراض^۵ بسیار حائز اهمیت است. در تاریخ زبان‌های ایرانی، یکی از تغییرات مهم در زبان‌های ایرانی میانه و نو نسبت به زبان‌های ایرانی باستان از بین رفتن برخی ویژگی‌های تصریفی و گرایش زبان به استفاده از ساخت‌های تحلیلی^۶ است. جنس دستوری نیز یکی از این ویژگی‌های تصریفی است که در گذر از دوره باستان به دوره‌های میانه و نو در اکثر زبان‌های ایرانی از بین رفت (مگی^۷ و اورساتی^۸، ۲۰۱۸: ۱۹-۲۱). با این وجود هنوز رد پای جنس دستوری در برخی از زبان‌های ایرانی مدرن باقی مانده است (بارشاطر، ۱۹۸۲). آمره‌ای یکی از این زبان‌ها است که این ویژگی محافظه‌کارانه را در خود حفظ کرده است. این زبان که یکی از زبان‌های ایرانی در حال انقراض است، در روستای آمره از توابع خلجستان استان قُم به صورت محدود صحبت می‌شود. آمره‌ای از حیث جغرافیایی به سبب قرارگیری در خط مرز زبان‌های ایرانی فلات مرکزی و شمال غرب (گروه تاتی) دارای ویژگی‌های مشترک با این گروه‌های زبانی است. این پژوهش به بررسی جنس دستوری در این زبان اختصاص دارد چرا که مطالعه ویژگی‌های دیگر این زبان نیازمند فرصت بیشتری است. محل جغرافیایی این زبان در شکل (۱) نشان داده شده است.

¹ Grammatical Gender

² G. G. Corbett

³ Triggers

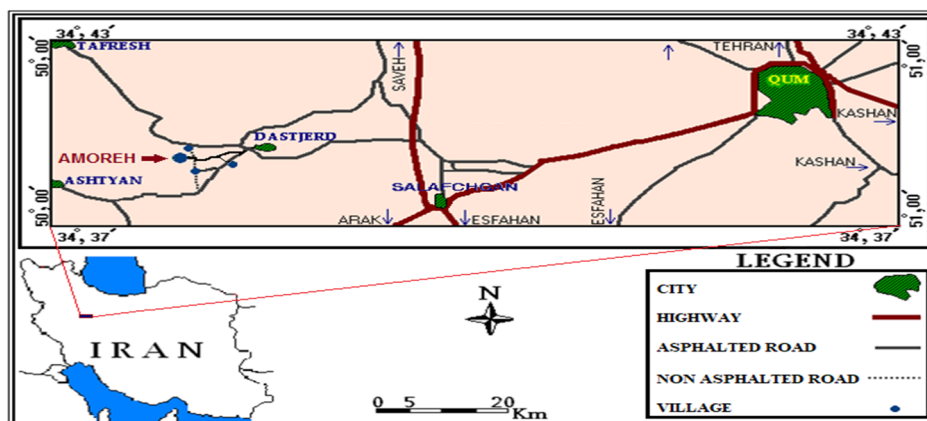
⁴ Target

⁵ Endangered Languages

⁶ Analytic

⁷ M. Maggi

⁸ P. Orsatti



شکل (۱) موقعیت جغرافیایی آمره

روستای آمره در ۸۶ کیلومتری شهر قم است و با مرکز بخش، یعنی دستجرد، ۸ کیلومتر فاصله دارد. این روستای کوهستانی در منتهی‌الیه غرب استان قم بر روی مرز این استان با استان مرکزی واقع شده است (رزما، ۱۳۳۲) طبق سرشماری سازمان آمار سال ۱۳۹۵ جمعیت روستا ۱۱۱ نفر بود. متأسفانه به دلیل کمبود امکانات آموزشی و بهداشتی طی دهه‌های اخیر، اغلب جمعیت جوان به شهرهای بزرگ مهاجرت کرده‌اند. اکثر افراد میان‌سال نیز برای بیلاق و رسیدگی به باغات ماندگار از اجدادشان و برداشت محصولات به این روستا رفت و آمد دارند. زبان آمره‌ای به صورت محدود و عمدتاً در میان مادر بزرگ و پدر بزرگ‌ها رواج دارد و نسل جوان آن را کم‌تر به کار می‌برند، هر چند متوجه می‌شوند. کودکان به زبان فارسی صحبت می‌کنند. با توجه به تعاریف جمعیت‌شناختی زبان‌ها، آمره‌ای جزو زبان‌های در حال انقراض شدید است.

در این مطالعه از پنج گویشور^۱ اصیل آمره‌ای برای جمع‌آوری داده‌ها کمک گرفته شده است. این گویشوران عبارت بودند از: بی‌بی عادل‌خانی ۸۸ ساله و بی‌سواد، احمد مبشری ۶۳ ساله و باسواد، فاطمه یعقوبی ۵۵ ساله باسواد، محمود مخلصی ۴۰ ساله و کارشناس ارشد بهداشت

^۱ بی‌نهایت سپاس‌گزاریم از گویشوران محترم زبان آمره‌ای آقای محمود مخلصی، خانم بی‌بی عادل‌خانی و خانواده محترم آقای احمد مبشری. این مطالعه که حاصل همکاری، خوشرویی و میهمان‌نوازی این گویشوران عزیز است، را به ایشان تقدیم می‌کنیم.

حرفه‌ای، طیبه مبشری ۳۵ ساله و کارشناس ارشد تاریخ تمدن. همچنین در تمام تحلیل‌ها به محک‌زدن و بررسی داده‌ها از نگاه گویشوران مسن پرداخته شد. این مطالعه شامل چهار بخش است. تمامی داده‌های آلمانی دست اول هستند و مورد آزمون و خطا توسط گویشوران قرار گرفتند. همچنین تحلیل‌های زبانی داده‌ها شامل اختصار و نشانه‌های مورد استفاده برای بررسی خطی جملات از قوانین گلاس‌نویسی لپی‌زیگ^۱ همراه با برخی از افزودنی‌های مناسب زبان فارسی استخراج شده‌اند که در جدول (۵) در پایان مطالعه ضمیمه شده‌اند.

۲. پیشینه پژوهش

موضوع تفاوت‌های جنس اولین بار توسط هردر^۲ (۱۷۷۲) و سپس هومبولت^۳ (۱۸۲۷) جنسیت دستوری را ویژگی‌گریزی روح‌بخشی انسان اولیه به اشیاء پیرامون خود برمی‌شمارند که در نهایت به آن‌ها جنسیت زیستی نیز اعطا می‌کنند. آن‌ها جنسیت دستوری را به عنوان روشی در دسته‌بندی واژه‌ها، حاصل همین جنسیت‌بخشی زیستی اولیه برمی‌شمارند. در حالی که بروگمن^۴ (۱۸۹۷) در طرف مقابل این تعریف قرار می‌گیرد. او معتقد است که جنسیت زیستی هیچ تأثیری در طبقه‌بندی جنسیت اسامی ندارد و نشانه‌تأیث به طور قطع برای تشکیل همگانی‌ها و تمایزات در اسم شکل می‌گیرد. در واقع در زبان‌های هندواروپایی این نشانه /a/ تأیث است که در هنگام اضافه‌شدن به انتهای اسم به آن مفهوم مؤنث‌بودن می‌بخشد و ایده‌تأیث در این نشانه موجود است. همچنین این پسوند همراه معنی، زایا و موروثی است. بر اساس نظریه‌گریم^۵ (۱۸۳۱) جنسیت زیستی مقدم و پیشین است در حالی که جنسیت دستوری مؤخر و پسین می‌باشد. اما طبق مطالعات جدید هیچ تقدم و تأخری در جنسیت زیستی بر جنسیت دستوری و بالعکس وجود ندارد و این نشانه‌اسم تنها گروه‌بندی آن‌ها را متمایز می‌کند.

¹ <https://www.eva.mpg.de/lingua/resources/glossing-rules.php>

² J. G. Herder

³ W. Humboldt

⁴ K. Brugmann

⁵ J. Grimm

لکوک^۱ (۱۹۸۹) از بررسی دست‌نوشته‌های محمد مقدم و احسان یارشاطر، به وجود دو جنس دستوری مذکر و مؤنث در آمره‌ای اشاره می‌کند. او این دو جنس را در اسم، ضمیر سوم شخص مفرد و صیغه سوم شخص همه فعل‌های ماضی تفکیک می‌کند. لکوک در این مقاله بیان می‌کند که نشانه تانیث در همه موارد a- در اسامی بدون تکیه است:

deta 'girl' mālaka 'cat' derzena 'needle'

در ضمائر نیز 'o/yo 'this, that, he' در مقابل 'ona, yona 'this, that, her' در

فعل‌ها نیز به صورت (M) asb-om ba-mard در مقابل (F) bezza-m ba-marda است.

تفضلی (۱۳۹۹) در دانشنامه بزرگ اسلامی با استفاده از رساله دکتری صائب (۱۳۵۷) به وجود دو جنس دستوری در این زبان در اسامی، صفات، ضمائر و سوم شخص مفرد افعال ماضی و بی‌قاعدگی‌های موجود در این ویژگی اشاره می‌کند. یارشاطر (۱۹۶۹) در بررسی گویش آشتیانی، به محافظه‌کاربودن آمره‌ای در حفظ ویژگی‌های جنسیت به نسبت زبان‌های منطقه اشاره می‌کند. در این مطالعه نشانه جنس دستوری در اجزای وابسته اسم (فعل، صفت، ضمیر و نشانه نکره) بررسی می‌شود. امینی (۱۳۹۹) با بررسی زبان آمره‌ای به تمیزکردن جنس در اسامی (جاندار و بی‌جان) این زبان پرداخته است. او همچنین به مطابقت جنس صفت و فعل با اسم در این زبان نیز اشاره کرده است.

در برخی از زبان‌های ایرانی همانند تاتی و گُردی نیز جنس دستوری مشاهده شد. در گُردی گُرمانچی جنسیت بر اساس جانداربودن مشخص می‌شود. به طوری که اسامی متعلق به انسان‌ها و جانداران به یک گروه جنسیتی و اسامی بی‌جان به گروه دیگر جنسیت تعلق دارند. در این زبان نشانه جنس مذکر a و نشانه تانیث نیز e می‌باشد. مثلاً جنسیت واژه «چوب» در گروه اسمی مثال (۱) به دلیل زنده و جانداربودن درخت، مذکر لحاظ می‌شود در حالی که در مثال (۲) به دلیل بی‌جان و مُرده‌بودن چوب، جنس دستوری آن مؤنث است.

1. dar-a seve
tree-M apple

¹ P. Lecoq

درخت سیب

2. dar-e seve

log-F apple

چوب درخت سیب

در گروه زبان‌های تاتی نیز شاهد تمایز جنس دستوری مذکر از مؤنث هستیم. یارشاطر (۱۹۸۲) در توصیف گویش ابیان‌های از فلات مرکزی، نشانه جنس دستوری را -a در اسامی می‌داند؛ مانند karg-a (مرغ). این نشانه در مطابقت جنس صفات با اسم؛ مانند sur-a gul-a (گل سرخ)، و همچنین در صفات اشاره به دور و نزدیک nin-a/non-a نیز دیده می‌شود. رضایی و رضویان (۱۳۹۵) در توصیف جوشقانی به تمایز جنس اسامی بر اساس مختوم‌شدن اسم به فتحه (مذکر) و کسره (مؤنث) اشاره می‌کند. همچنین در بررسی نظام جنس دستوری در گویش جوشقانی نیز به وندهای تصریفی -æ مذکر kamar-æ (کوه) و -e مؤنث kamar-e (تپه) و به وجود جنس در اسامی بی‌جان و اشیاء اشاره می‌شود.

اکثر زبان‌های ایرانی میانه و مدرن دارای ویژگی‌های گنایی^۱ دوگانه^۲ هستند؛ به این معنی که نظام حالت در زمان گذشته جملات متعدی با نظام حالت در زمان حال متفاوت است. در این زبان‌ها معمولاً نظام حالت در زمان گذشته گنایی و در سایر زمان‌ها فاعلی-مفعولی است (راسخ-مهند، ۱۳۹۲: ۱۶۰-۱۷۰).

3. borvar-ed-am be-di.

brother-2sg-1sg see-pst

برادرت را دیدم.

4. gerge gale-š boy-ād.

wolf fluck-3sg struck-pst

گرگ به گله زد.

¹ Ergative² Split Ergative

آمره‌ای نیز همانند بسیاری از زبان‌های ایرانی ویژگی‌های گنایی دوگانه دارد که در بخش فعل در این پژوهش به بررسی آن‌ها پرداخته می‌شود. در زبان آمره‌ای فعل لازم در همهٔ زمان‌ها و فعل متعدی در زمان حال با فاعل خود مطابقت دارد. اما فعل‌های متعدی، مانند مثال‌های (۵) و (۶)، در زمان گذشته از نظر شمار و جنس با مفعول خود براساس نظام حالت گنایی-مطلق مطابقت دارند.

5. hāmā kərg-a-mo dard-a.
we chicken-F-1pl have.pst-F
ما مرغ داشتیم.

6. hāmā asb-e-mo dard.
we horse-ez-1pl have.pst.
ما اسب داشتیم.

۳. چهارچوب نظری

بررسی جنس دستوری از دریچهٔ ویژگی‌های اسم، نگاهی معناشناختی است؛ در حالی که بررسی مطابقت‌های جنس در مابقی اجزای جمله به جز اسم که نشأت گرفته از جنس اسم می‌باشند، نگاهی صرفی-نحوی به جنس در زبان‌ها است. در این مطالعه منظور از جنس دستوری، جنس مابقی اجزای جمله (به جز قید) در مطابقت با اسم است. پیش از بررسی‌های دستوری، نگارندگان با کمک گویشوران جنس اسامی مختلف (انسان، جاندار و بی‌جان) را بررسی کردند. در این بررسی‌ها مشاهده شد که جنس اسم حاصل قرارداد بین گویشوران است و در حفظ نشانهٔ تأیید بسیار قاعده‌مندتر از اسامی ناشی از جنس زیستی رفتار می‌کند. مانند اسامی میوه‌های بومی **gerbālang-a** «خیار» مؤنث است و سبزی‌ها مانند **šowdar** «شبدرد» مذکر در نظر گرفته می‌شوند. در مقابل، حیوانات مانند **esba** «سگ» که از نظر جنس در زبان مذکر هستند، اما نشانهٔ تأیید را دارند. نتیجهٔ حاصل از بررسی‌ها (با همکاری گویشوران) برای تعیین جنس اسم این بود که مطمئن‌ترین شیوه برای تشخیص جنس دستوری اسامی، مطابقت صفت و فعل با اسم است. به واقع، جنس دستوری که حاصل مطابقت است در حفظ نشانه‌های جنس مؤنث و تفکیک

آن از جنس مذکر، همیشه قاعده‌مند رفتار می‌کند و هرگز خطا ندارد. این در حالی است که جنس اسامی همیشه قاعده‌مند نیست.

جنس دستوری ویژگی ذاتی^۱ اسم است که گاه ناشی از جنس طبیعی و گاه حاصل قرارداد مابین گویشوران زبان می‌باشد. این ویژگی، مطابقت بین جنس اسم (به عنوان کنترل‌گر) و برخی از اجزای پیرو (هدف) را کنترل می‌کند. این اجزا می‌توانند حرف تعریف، صفت، ضمیر، فعل، عدد و یا حرف اضافه باشند. بسیاری از محققان جنس دستوری را برگرفته از معنا می‌دانند و بر این باور هستند که رابطه دستور و معناشناسی را مشخص می‌کند.

جنسیت در زبان‌های گوناگون به دو شیوه معنایی و صوری مشخص می‌شود. نظام معنایی در زبان‌هایی مانند تامیل، جنسیت را بر اساس جنس زیستی تعیین می‌نماید. در این زبان‌ها معمولاً جنسیت به جانداران دارای روح و شعور^۲ (انسان، خدایان) منتسب می‌شود. کوربت (۲۰۰۷: ۲۴۱-۲۷۹) معتقد است که جنسیت از معنا نشأت می‌گیرد. او جنسیت را یک مفهوم معنایی می‌داند. در مقابل نظام صوری در برخی از زبان‌ها در تعیین جنسیت نقش دارد و این نظام صوری به دو گونه ساخت‌واژی و آوایی در زبان‌ها منعکس می‌شود. مثلاً رضایی و رضویان (۱۳۹۵) عنوان می‌کنند در نظام جنس دستوری در گویش جوشقانی قواعد ساخت‌واژی مقوله شمار (مفرد-جمع) را تعیین می‌کنند، در حالی که آن‌ها از حیث آوایی جنس دستوری اسم (اسامی مؤنث و مفرد) را مشخص می‌کنند. از طرف دیگر زبان‌هایی که جنسیت در صورت ظاهری اجزای جمله نمایان است را دارای جنسیت آشکار^۳ می‌دانند. در مقابل نیز زبان‌هایی که نمی‌توان از صورت ظاهری اجزای جمله، جنسیت را تشخیص داد زبان‌های دارای جنسیت پنهان^۴ هستند. البته این تقسیم‌بندی را نمی‌توان با حد و مرز مشخصی برای زبان‌ها تعریف کرد چرا که حتی در زبان آمره‌ای، کلمات مذکر که نشانه تأنیث جزئی از ریشه هستند، نیز یافت می‌شود. همچنین در اغلب زبان‌ها شاهد این بی‌قاعدگی‌ها هستیم که بهتر است به صورت پیوستار توصیف شوند. در

^۱ Inherent Gender

^۲ Rational

^۳ Overt

^۴ Covert

کنار این نظام‌ها، الگوهای رایج در بسیاری از مطالعات جنسیت دستوری براساس مذکر-مؤنث، جاندار- بی‌جان، مذکر-مؤنث-خنثی و یا بیش‌تر از سه جنس می‌باشند.

۴. تحلیل داده‌ها

جنس دستوری در زبان آمره‌ای در چند ویژگی صرفی-نحوی این زبان از جمله نشانه نکره، ضمایر، تطابق صفت و موصوف و مطابقت فعلی تاثیر دارد. در ادامه به هریک از این ساخت‌ها پرداخته می‌شود.

۴-۱. نشانه نکره

اسامی نکره در زبان آمره‌ای از یک حرف تعریف (ye/yeŋ) پیش از اسم و افزوده‌شدن پسوند (-k/-ka) به انتهای اسم مذکور ساخته می‌شوند. با بررسی‌های انجام‌شده تفاوتی بین این حروف تعریف مشاهده نمی‌شود. با وجود این‌که در برخی از مطالعات گویش‌های مجاور به تفاوت جنس میان این دو اشاره می‌شود، در آمره‌ای این تفاوت مشاهده نشد. این پسوند بر اساس جنس دستوری اسم میزبان متفاوت است. برای اسامی در جنس مؤنث از پسوند (ka) و برای اسامی جنس مذکر از پسوند (k) استفاده می‌شود.

7. pādešā ye det-a-ka-š dard-a.
king a daughter-F-def-3sg have.pst.3sg-F¹.

پادشاه یک دختر داشت.

8. pādešā ye pūr-ak-e-š dard.
king a son-def-ez-3sg have.pst.3sg

پادشاه یک پسر داشت.

در این طبقه، نشانه نکره حساس به جنس دستوری فقط در مطابقت با اسامی جاندار و انسان‌ها دیده می‌شود. در مثال‌های (۹) و (۱۰) عدم کاربرد نشانه نکره برای جاندار غیر از انسان و بی‌جان مشاهده می‌شود.

9. yey esba siyā-m ba-di.

^۱ منظور از F- (Feminine) جنس مؤنث و M- (Masculine) جنس مذکر است. در ضمیمه نشانه‌های اختصار در جدول (۵) ارائه شده‌اند.

a dog black -1sg prev-see.pst.Ø

یک سگ سیاه دیدم.

10. yey kiya qonča dār-ene.

a house beautiful have.prst-3pl

یک خانه قشنگی دارند.

۲-۴. صفت

در آمره‌ای صفات از نظر جنس دستوری با هسته گروه اسمی اعم از مفرد و جمع، انسان، جاندار یا بی‌جان مطابقت می‌کنند. مطابقت جنس در صفات تنها با نشانه تصریفی مؤنث تفکیک می‌شود. این مطابقت به صورت نشانه تصریفی تأنیث -a/-iya در صفات مؤنث نمود می‌یابد که باعث تفکیک آن‌ها از صفات مذکر می‌شود. در صورتی که صفتی مختوم به همخوان باشد، به انتهای آن -a افزوده می‌شود. در حالی که هنگام منتهی شدن صفت به واژه‌ها نشانه تأنیث -iya است.

مطابقت صفت با اسم انسان:

11. yey pür-e qonča

a son-ez beautiful.M

یک پسر زیبا (مذکر)

12. yey det-a qonč-**iya**.

a daughter-F F-beautiful

یک دختر زیبا (مؤنث)

مطابقت جنس صفت با اسم جاندار:

13. yey gā(-a) masdar-a.

a cow(-F) big-F

یک گاو بزرگ (مؤنث)

14. yey e-gusband masdar

a sheep(M)-ez big.M

یک گوسفند بزرگ (مذکر)

مطابقت صفت با اسم بی‌جان:

15. ešgondar-**iya** masdar-a

- ring-F big-F
انگشتر بزرگ (مونث)
16. sanak-e .masdar
plate-ez big.M
بشقاب بزرگ (مذکر)

جنس دستوری صفات با اسامی در حالت جمع نیز بررسی شد. این مطابقه هیچ حساسیتی به حالت جمع در اسامی از خود نشان نمی‌دهد. در واقع مطابقه جنس دستوری اسم‌های جاندار (مثال ۲۱ و ۲۲) و بی‌جان (مثال‌های ۱۷-۲۰) با صفات در حالت جمع همانند حالت مفرد اسم است.

17. kās-**iya** isbik-**a**
bowl-F white-F
کاسه سفید (مونث)
18. kāsī-gal-e isbik-**a**.
bowl-pl-ez white-F
کاسه‌های سفید (مونث)
19. vāmm-**a** širin-**a**.
almond-F sweet-F
بادام شیرین (مونث)
20. vām-gal-e širin-**a**
almond-pl-ez sweet-F
بادام‌های شیرین (مونث)
21. pūr-e qonča.
son-ez beautiful.M
پسر زیبا (مذکر)
22. pūr-gal-e qonča.
son-pl-ez beautiful.M
پسرهای زیبا (مذکر)

۴-۳. فعل

فعل‌های آمرهای در مطابقه با اجزای جمله دو جنس مذکر و مؤنث را متمایز می‌کنند. فعل همانند مابقی اجزای جمله با پسوندهای تصریفی *-a/-iya* مطابقه با جنس مؤنث را نشان می‌دهد.

برای توصیف مطابقت جنس با فعل ابتدا به بررسی سازوکار مطابقت در فعل این زبان پرداخته می‌شود. این زبان نیز همانند بسیاری از زبان‌های ایرانی دارای نظام کُنایی دوگانه است که در بخش پیشینه پژوهش به آن‌ها اشاره شد. شناسه‌های شخص و شمار در فعل‌های لازم گذشته و فعل‌های لازم و متعدی زمان حال، به صورت پسوند به شرح جدول (۱) می‌باشند.

جدول ۱.

شناسه‌های آمرهای

مفرد	جمع	
-om	-imi	اول شخص
-i	-ite	دوم شخص
-e/-Ø	-ene	سوم شخص

در مثال‌های (۲۳) تا (۲۶) قاعده‌های حالت نمایی و ویژگی کُنایی بررسی می‌شوند. مطابقت حالت نمایی در زمان گذشته با فعل لازم:

23. az **om**-ba-miy
I prev-come.pst-1sg
من آمدم.

مطابقت حالت نمایی در زمان حال لازم:

24. hāmā **imi**.-dar-ex(d)-xos
we prev-IMPf-sleep.pst-1pl
ما می‌خواهیم.

مطابقت حالت کُنایی در زمان گذشته متعدی:

25. ö **mo**-n-e-š ba-diy-**om**.
He me-conn-ez-3sg prev-see.pst-1sg
او من را دید.

مطابقت حالت نمایی در زمان حال متعدی:

26. enöggal šomā **ene**-ev(d)-vinn
they you IMPF-see.prst-3pl

آن‌ها شما را دیدند.

مطابقاً جنس در فعل‌های زمان مضارع لحاظ نمی‌شود. همان‌طور که در مثال‌های (۲۷) تا (۳۰) مشاهده می‌شود، هیچ‌کدام از صرف اشخاص فعل‌های این زمان به جنس دستوری حساسیت ندارد.

27. ali e(d)t-i.

Ali IMPF-come.prst.3sg

علی (مذکر) می‌آید.

28. zarā e(d)t-i.

zahra IMPF-come.prst.3sg.

زهرا (مؤنث) می‌آید.

29. zarā āš ex(d)-xore

zahra āš IMPF-eat.prst.3sg

زهرا آش می‌خورد. (مؤنث)

30. ali āš ex(d)-xore.

Ali āš IMPF-eat.prst.3sg

علی آش می‌خورد. (مذکر)

راسخ‌مهند (۱۳۹۲) در بررسی دست‌نوشته‌های گویش‌های آران و بیدگل عنوان می‌کند که با توجه به ساختار شبیه حالت کنایی فعل‌های متعدی در زبان‌های ایرانی در زمان گذشته، فعل بدون نشانه‌ی مطابقه با فاعل یا مفعول به کار می‌رود و برای نشان‌دادن فاعل جمله از واژه‌بست‌ها استفاده می‌شود. در این فعل‌ها شناسه (به معنای پسوند) ندارند و عامل فقط از طریق واژه‌بست‌ها آشکار می‌شود. در آمره‌ای نیز همانند گویش راجی آران و بیدگل در زمان گذشته، فعل در مقوله‌ی شمار از مفعول یا فاعل خود تبعیت نمی‌کند و بدون نشانه باقی می‌ماند. این واژه‌بست‌ها پیش از فعل می‌آیند و معمولاً به مفعول مستقیم، مفعول غیرمستقیم، ضمیر، حرف اضافه و یا خود فعل پس از عنصر پیش فعل و پیش از نشانه‌ی استمرار به کار می‌روند.

در جدول (۲) نیز می‌توان انواع واژه‌بست‌های آمره‌ای را دید که به صورت پیشوند و پسوند بر روی فعل و پسوند بر روی مابقی اجزای جمله برای تعیین شخص و شمار افزوده می‌شوند.

جدول ۲.

واژه‌بست‌های آمرهای

جمع	مفرد	
-(e)mo	- om	اول شخص
-(e)to	-(e)t	دوم شخص
-(e)šo	-(e)š	سوم شخص

در مثال‌های (۳۱) و (۳۲) می‌توانیم نمونه‌هایی از جایگاه قرارگیری واژه‌بست‌ها را ببینیم.

31. zarā süa-š ba-xord-a.
zahra apple-3sg prev-eat.pst-F

زهرا سیب خورد.

32. hāmā gusban-gal-emo dard.
we sheep-pl-1pl have.pst.Ø

ما گوسفندها داشتیم.

همانطور که مشاهده می‌شود در فعل‌های لازم زمان حال و گذشته، شناسه‌ها به صورت پسوند به انتهای فعل افزوده می‌شوند در حالی که در فعل‌های متعدی در زمان گذشته به شکل واژه‌بست‌ها بر روی عنصر قبل از فعل می‌نشینند. حال با شناخت سازوکار مطابقت شناسه و واژه بست‌ها به بررسی مطابقت جنس دستوری در این زبان پرداخته می‌شود.

مطابقت جنس در فعل ماضی لازم با فاعل

در مثال‌های (۳۳) و (۳۴) مطابقت با انواع فاعل (انسان، جاندار و اشیای بی‌جان) ارائه شده است.

33. āftow var-ama.
sun prev-come up.pst.Ø

آفتاب (مذکر) بالا آمد.

34. mā var-am-iya
moon prev-come up.pst-F

ماه (مؤنث) بالا آمد.

در این مثال‌ها فعل لازم گذشته از نظر جنس بر اساس مذکر و مؤنث بودن فاعل جملات (مذکر «آفتاب» – مؤنث «ماه») که ارکان طبیعت هستند، مطابقت کرده است.

35. ali b(a)-ama
ali prev-come.pst.Ø
علی آمد.
36. meyrama b(a)-am-**iya**
marya prev-come.pst-F
مریم آمد.
37. hasa dar-xot
hassan prev-sleep.pst.Ø
حسن خوابید.
38. zarā dar-xot-**a**.
zahra prev-sleep.pst-F
زهرا خوابید.

در مثال‌های (۳۷) و (۳۸) شاهد مطابقت جنس فعل لازم با فاعل انسانی جملات هستیم.

39. kærg-**a** b(a)-am-**iya**.
chicken-F prev-come.pst-F
مرغ (مؤنث) آمد.
40. gusband b(a)-ama.
sheep(M) prev-come.pst.Ø
گوسفند (مذکر) آمد.

در مثال‌های (۳۹) و (۴۰) نیز مطابقت جنس فعل لازم با فاعل جاندار حیوان ارائه می‌شود.

41. kās-**iya** dar-kat-**a**.
bowl-F prev-fall.pst-F
کاسه (مؤنث) افتاد.
42. sa'n dar-kat.
plate (M) prev-fall.pst.Ø
بشقاب (مذکر) افتاد.

در دو مثال (۴۱) و (۴۲) نیز شاهد مطابقت جنس فعل لازم با فاعل بی‌جان هستیم. بنابراین مشاهده می‌شود که فعل لازم از نظر جنس با فاعل (انسان، جاندار و شیء بی‌جان) مطابقت می‌کنند.

مطابقت جنس در فعل متعدی ماضی با مفعول (ساختار گنایی)

در زبان آمره‌ای فعل متعدی از نظر جنس با مفعول جمله مطابقت می‌کند. این مطابقت در مفعول‌های انسان، جانداران و اشیای بی‌جان دیده می‌شود. مفرد و جمع بودن فاعل و هیچ نوعی از مفعول بر این مطابقت جنس تأثیری ندارند و همیشه پابرجا است. در نمونه‌های (۴۳) و (۴۸) می‌توان این نوع مطابقت جنس را مشاهده کرد.

43. mō m-zarā ba-di-iyā.

I zahra-1sg prev-see.pst-F

من زهرا را دیدم.

44. mō ali-m ba-di.

I ali-1sg prev-see.pst.Ø

من علی را دیدم.

در مثال‌های (۴۳) و (۴۴) مطابقت جنس فعل با مفعول جاندار-انسان مشاهده می‌شود.

45. gā-mo dard-a.

cow(F)-1pl have.pst-F

ما گاو (مؤنث) داشتیم.

46. gusband-eto dard.

sheep(M)-2pl have.pst.Ø

شما گوسفند (مذکر) داشتید.

47. ye šeqāla-m ba-di-iyā.

a jackal(F)-1sg prev-see.pst-F

من یک شغال (مؤنث) دیدم.

48. ye asb-om ba-di.

a horse(M)-1sg prev-see.pst.Ø

من یک اسب (مذکر) دیدم.

در مثال‌های (۴۵) تا (۴۸) نیز می‌توان مطابقت جنسیت فعل با مفعول جاندار- حیوانات را دید.

49. ali ye qazqon-a mes-iyā-š dard-a.

ali a pot-F copper made-F-3sg have.pst-F

علی یک دیگ (قابلمه بزرگ) (مؤنث) مسی داشت.

50. fātim-iyā ye kiya masdar-eš dard.

Fatemeḥ a house.M big-3sg have.pst.Ø

فاطمه یک خانه (مذکر) بزرگ داشت.

در مثال‌های (۴۹) و (۵۰) نیز مطابقت جنسیت فعل با مفعول بی‌جان (اشیاء) مشاهده می‌شود.

۴-۴. ضمائر

ضمایر شخصی فاعلی و مفعولی زبان آمره‌ای در جدول (۱) آمده‌اند. همان‌گونه که مشخص است در این زبان ضمایر سوم شخص مفرد بر اساس جنس دستوری متمایز می‌شوند. ضمایر شخصی دیگر این تمایز جنس را نشان نمی‌دهند. ضمایر اول *mō* و دوم *ta* شخص مفرد ضمایر غیرمستقیم هستند که در جملات زمان گذشته با توجه به متعدی و لازم‌بودن فعل و جایگاه قرارگیری واژه‌بست، به عنوان ضمایر فاعلی نیز به کار می‌روند. ضمایر سوم شخص مفرد مذکر *eno* و مؤنث *enona* نیز در حالت اضافه و با بسامد بیش‌تری در جایگاه مفعولی دیده می‌شوند. مابقی ضمایر برای هر دو حالت فاعلی و مفعولی به کار می‌روند. در سه شخص جمع گویشوران به دلخواه نشانه جمع *-gal* را به انتهای ضمایر می‌افزایند.

جدول ۳.

ضمایر شخصی در آمره‌ای

جمع	مفرد	
<i>hāmā (hāmāgal)</i>	<i>az (mō)</i>	اول شخص
<i>šomā (šomāgal)</i>	<i>to (ta)</i>	دوم شخص
<i>ōggal (enoggal)</i>	<i>ō (eno)(M)</i> <i>ōna (enona)(F)</i>	سوم شخص

جنس ضمیر سوم شخص مفرد باعث مطابقت صفت با این ضمایر می‌شود.

51. *ō (M)* niččak be.
he good be.pst.Ø

او (مذکر) خوب بود.

52. öna (F) niččak-a biy-a.
she good-F be.pst-F

او (مؤنث) خوب بود.

این در حالی است که برای بقیه ضمائر این مطابقت جنس دیده نمی‌شود.

53. az (M/F) niččak biy-om.
I good be.pst-1sg

من خوب بودم.

54. to (M/F) niččak bi.
I good be.pst.2sg

تو خوب بودی.

55. hāmā (F/M) niččak bimi.
we good be.pst.1pl

ما خوب بودیم.

56. šomā (M/F) niččak bite.
you good be.pst.2pl

شما خوب بودید.

57. enoggal (M/F) niččak biye.
they good be.pst.3pl

ایشان (خوب) بودند.

جنس دستوری در مطابقت نامایی و صفت، تنها با ضمیر سوم شخص مفرد تبعیت دارد. این در حالی است که مطابقت جنس حالت کنایی نه تنها با ضمیر سوم شخص بلکه با همه ضمائر هماهنگی جنس فعل با مفعول دیده می‌شود. در مثال‌های (۵۸) تا (۶۱) می‌توان شاهد این ادعا بود.

58. šomā mo(M)-n-e-to ba-di.
You me(M)-Conn-ez-2pl prev-see.pst.Ø

شما من (مذکر) را دیدید.

59. šomā mo(F)-n-e-to ba-di-iyā.
you me(F)-conn -ez-2pl prev-see.pst-F

شما من (مؤنث) را دیدید.

60. hāmā enoggal(F)-e-mo ba-di-**iya**.

we they(F)-ez-1pl prev-see.pst-F

ما آن‌ها (مؤنث) را دیدیم.

61. hāmā enoggal(M)-e-mo ba-di.

We they(M)-Conn-ez-1pl prev-see.pst.Ø

ما آن‌ها (مذکر) را دیدیم.

ضمایر اشاره در حالت مفرد نیز دارای دو جنس دستوری مذکر و مؤنث است. ضمایر اشاره تنها در مواردی که به انسان‌ها اشاره دارند، تمایز جنسیتی را نشان می‌دهند. در اشاره به جانداران و اشیای بی‌جان مؤنث نیز از ضمیر اشاره مذکر استفاده می‌شود و تفاوتی در جنسیت ضمایر دیده نمی‌شود.

جدول ۴.

ضمایر اشاره در آمرهای

نزدیک	دور	
yö/yone(M)	ö(n)/eno(M)	<u>مفرد</u>
yöna(F)	öna/enona(F)	
yöggal	enöggal	<u>جمع</u>

نکته شایان ذکر این است که ضمایر اشاره مفرد دور با ضمایر شخصی سوم شخص مفرد یکسان هستند. این ضمایر تنها زمانی که به شخص اشاره دارند نسبت به جنس حساس هستند. همان‌طور که در جدول (۴) دیده می‌شود، ضمایر مفرد اشاره و سوم شخص دارای دو جنس مذکر و مؤنث هستند. این تمایز در حالت جمع و پس از افزوده شدن نشانه جمع gal به انتهای ضمیر از بین رفته است. البته اسامی مؤنث نیز در این زبان در حالت جمع نشانه تأنیث را از دست می‌دهند. ضمایر نیز از این قاعده پیروی می‌کنند و تفاوتی بین ضمایر جمع مذکر و مؤنث دیده نمی‌شود. به عبارتی جنس دستوری در شمار جمع دیده نمی‌شود. در مثال‌های (۶۲) تا (۶۷) کاربرد انواع ضمایر اشاره مفرد در اشاره به اسامی مؤنث و مذکر در انسان‌ها مشاهده می‌شود.

62. ön-a niččak -a -i he.

that-F beautiful-F-ez be.prst.3sg

آن (مؤنث) زیبا است.

63. ö niččak-i he.
that(M) beautiful-ez be.prst.3sg
آن (مذکر) زیبا است.
64. enöggal niččak-i he-ne.
those (F/M) beautiful-ez be.prst-3pl
آن‌ها (مذکر/ مؤنث) زیبا هستند.
65. yö niččak-i he.
this(M) beautiful-ez be.prst.3sg
این (مذکر) زیبا است.
66. yön-a niččak-a-i he.
this-F beautiful-F-ez be.prst.3sg
این (مؤنث) زیبا است.
67. yöggal niččak-i he-ne.
these(F/M) beautiful-ez be.prst-3pl
این‌ها (مذکر/ مؤنث) زیبا هستند.

و نمونه‌های (۶۸) تا (۷۱) نشان می‌دهند که ضمائر اشاره در ارجاع به طبقه جاندار و بی‌جان به جنس دستوری حساس نیستند.

68. yö/enö qāli sorx he.
this/that carpet red be.prst.3sg
این/ آن قالی (مذکر) قرمز است.
69. yö/enö qazqon-a mes-iyā he.
this/that pot -F copper-F be.prst.3sg
این/ آن دیگ مسی است.
70. yö/enö gā(-a) masdar-a he.
this/that cow (-F) big-F be.prst.3sg
این/ آن گاو (مؤنث) بزرگ است.
71. yö/enö gusband masdar he.
this/that cow (M) big be.prst.3sg
این/ آن گوسفند (مذکر) بزرگ است.

بنابراین تطابق جنس دستوری در ضمائر اشاره نزدیک و دور تنها در اشاره به اسامی منتسب به انسان وجود دارد.

۵. نتیجه‌گیری

در زبان آثره‌ای دو جنس مذکر و مؤنث به وسیله نشانه تانیث از یکدیگر متمایز می‌شوند. جنس مذکر فاقد نشانه است در حالی که نشانه تصریفی تانیث *a-iyā* می‌باشد. این نشانه‌ها براساس ختم‌شدن واژه به همخوان و واکه تعیین می‌شوند. در همه واژه‌های منتهی به همخوان به جز قید، پسوند *a-* و در واژه‌های منتهی به واکه پسوند *iyā-* ظاهر می‌شود. در این زبان صفات، ضمائر، فعل‌ها و نشانه نکره از نظر جنس با هسته گروه اسمی مطابقت می‌کنند. نشانه حاصل از مطابقت در اجزای پیرو به نسبت نشانه تصریفی تانیث اسامی بسیار قابل اعتمادتر و با قاعده‌مندی بیشتری قابل مشاهده است. در واقع در این مطالعه برای تشخیص جنسیت اسامی از روش مطابقت بهره گرفته شد چرا که نشانه‌های تصریفی حاصل از مطابقت در اجزای پیرو راحت‌تر و مطمئن‌تر از این نشانه‌ها در اسامی قابل تشخیص هستند. گویشوران با اطمینان بیشتری جنس اجزای پیرو را به نسبت جنس اسم تفکیک و متمایز می‌کنند.

نشانه نکره اسامی نیز بر اساس جنس آن‌ها متمایز می‌شود. مطابقت جنس دستوری در ضمیر و نشانه نکره تنها در اسامی منتسب به انسان‌ها کاربرد دارد. در حالی که مطابقت جنس صفت و فعل در انسان، جاندار و اشیای بی‌جان قابل مشاهده است. جنس صفت براساس هسته گروه اسمی مشخص می‌شود. این مطابقت حتی در حالت جمع اسم هسته گروه اسمی نیز، با وجود از بین رفتن نشانه تصریفی جنس، همانند حالت مفرد باقی می‌ماند. فعل‌های گذشته لازم در صیغه سوم شخص مفرد با فاعل از نظر جنس مطابقت دارند. همچنین فعل‌های گذشته متعدی نیز با مفعول از نظر جنس مطابقت دارند. این مطابقت نیز در همه صیغگان قابل مشاهده است، چرا که شناسه به اسم قبل از فعل افزوده می‌شود و فعل همیشه در حالت ساده سوم شخص باقی می‌ماند و از نظر جنس با فاعل و یا مفعول مطابقت می‌کند. ضمائر اشاره سوم شخص مفرد با توجه به جنس اسم مورد نظر دارای دو جنس مذکر و مؤنث هستند. ضمائر در حالت جمع در مطابقت‌نمایی فعل و صفات نسبت به مقوله جنس خنثی هستند. این در حالی است که در مطابقت

کنایی حتی در حالت جمع نیز به جنس ضمیر حساس هستند و با وجود این که ضمیر نشانهٔ تصریفی جنس را به همراه ندارد، جنس فعل از جنس مفعول تبعیت می‌کند.

منابع

- امینی، عطیه. (۱۳۹۹). *مطالعه زبان آمرهای*. پایان‌نامهٔ کارشناسی ارشد. همدان: دانشگاه بوعلی سینا.
- تفضلی، احمد. (۱۳۹۹). *آمرهای*. دانشنامه بزرگ اسلامی، ج ۲، صفحهٔ ۵۰۱، شمارهٔ مقاله ۵۰۱؛ مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی.
- راسخ‌مهند، محمد. (۱۳۹۲). واژه‌بست‌های ضمیری در گویش راجی. *زبان‌ها و گویش‌های ایرانی*، (۱)، صص. ۱۶۱-۱۷۰.
- رزم‌آرا، حسینعلی (۱۳۲۸-۱۳۳۲). فرهنگ جغرافیایی ایران، نشر دایره جغرافیایی ستاد ارتش شاهنشاهی ایران، استان مرکزی، ج ۱، صص. ۲۲.
- رضایی، والی و سید غیاث‌الدین رضویان. (۱۳۹۵). نظام جنس دستوری در گویش جوشقانی. *فصلنامه ادبیات و زبان‌های محلی ایران زمین*، (۱۴)، صص. ۴۳-۶۶.
- صائب، رضا (۱۳۵۷). *گویش آمرهای*، رساله دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه تهران.
- Brugmann, K. (1897). *The nature and Origin of the Noun Genders in the Indo-European Languages: A lecture delivered on the occasion of the Sesquicentennial Celebration of Princeton University*, Translated by Edmund Y. Robbins, New York: C. Scribner's sons.
- Corbett, G. G. (2014). *The expression of gender. The expression of Cognitive categories (ECC)*. Vol 6. Berlin: De Gruyter Mouton.
- Corbett, G. G. (2007). Gender and noun classes. In T. Shopen, *Language typology and syntactic description*. New York: Cambridge University Press, pp. 241-279.
- Grimm, J. (1831). *Deutsche grammatik III*. London & New York: Routledge.
- Herder, J. G. (1772). *Abhandlung uber den ursprung der sprache*. Berlin: Akademie der Wissenschaften.
- Humboldt, W. (1827). *Letre a M. Abel-Remusat sur la nature des forms grammaticales en general et sur la genie de la langue chinoise en particulier*. Paris: Dondey-Dupre.
- Lecoq, P. (accessed on 30 December 2012). "ĀMORA 'Ī," *Encyclopædia Iranica*, I/9, pp. 985-986, available online

at <http://www.iranicaonline.org/articles/morai-the-dialect-spoken-in-amora-a-village-in-the-sahrestan-of-tafres>.

- Maggi, M., & Orsatti, P. (2018). From Old to New Persian. In *The Oxford Handbook of Persian Linguistics*.
- Yarshater, E. (1969). "ĀŠTĪĀNI," *Encyclopaedia Iranica*, II/8, pp. 848-849, available online at <http://www.iranicaonline.org/articles/astiani-dialect> (accessed on 07 November 2021).
- Yarshater, E. (1982). "'ĀBYĀNA'Ī," *Encyclopaedia Iranica*, Online Edition, 1982, available at <http://www.iranicaonline.org/articles/abyanai-the-dialect-spoken-in-the-village-of-abyana> (accessed on 07 November 2021).

پیوست (۱)

نشانه‌های مورد استفاده در این مطالعه
الگوهای جدول (۵)، اختصار و نشانه‌های مورد استفاده برای بررسی خطی جملات به کار رفته
هستند. این نشانه‌ها از قوانین گلاس نویسی لپی‌زیگ^۱، همراه با برخی از افزودنی‌های مناسب زبان
فارسی استخراج شده‌اند.

جدول ۵.

اختصار به کار رفته در شرح ویژگی‌های زبانی داده‌ها

Gloss	Definition	Gloss	Definition
1	first person	IMP	imperfective
2	second person	M	Masculine
3	third person	N	noun
adv	adverb	neg	negative
CL	clitic	PL	plural
Conn	Connective	prst	present
def	definite	past	past
EZ/ez	ezafe, linking morpheme	prep	preposition
F	Feminine	Prev	preverb
IMP	imperative	V	Verb

¹ <https://www.eva.mpg.de/lingua/resources/glossing-rules.php>

Grammatical Gender in Amora'i Language

Atieh Amini

Mohammad Rasekh-Mahand

Abstract

This study investigated grammatical gender in Āmora'i language. This language is spoken in Āmora village in Khalajestan rural area in Qom province. It has two grammatical genders: Masculine and Feminine. Feminine gender is marked by inflectional suffixes '-a' and '-iya'. This suffix appears as -a in consonant ending words and -iya in vowel ending words. These markers are added to nouns, pronouns, indefiniteness markers, adjectives and verbs to distinguish the gender of a word. The grammatical gender of the verb, adjective, pronoun and indefinite marker is determined based on the gender of head in noun phrase. The gender agreement is a regular-based method for distinguishing the gender of nouns in the rest of the components of the sentence. The gender agreement of verbs with adjectives is also observed with any type of noun (human, animate and inanimate) and with plural nouns. While indefinite marker agreement can be seen only in singular names attributed to humans. The verb gender agreement is only possible for past tenses. In this agreement, although third person singular pronoun which expresses the gender marker but also, it is true for all other persons.

Keywords: Āmora'i Language, Endangered Language, Grammatical Gender, Gender Agreement, Iranian Languages